

## بررسی اثر اندازه دولت بر فساد؛ با تأکید بر نقش دموکراسی در منطقه منا

نظر دهمرده

دانشیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان

محمد علیزاده

استادیار دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه لرستان

سمیرا زیدی زاده<sup>۱</sup>

دانش آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۲۸

### چکیده

فساد یک پدیده ناهنجار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است؛ پدیده‌ای که کم و بیش، در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد. از آنجا که این پدیده از مهم‌ترین موانع پیشرفت و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه شمرده می‌شود، ریشه‌یابی و برخورد با آن به‌طور جدی احساس می‌گردد. هدف اصلی این مقاله، شناخت پدیده فساد و شناسایی وابستگی فساد با برخی از متغیرهای اقتصادی و سیاسی از جمله دموکراسی است. رابطه بین اندازه دولت با فساد یک موضوع مهم در اقتصاد بخش عمومی است، که تحقیق مذکور با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی، طی سال‌های (۲۰۰۳-۲۰۱۰) تأثیر این عامل مهم بر فساد را در ۱۶ کشور منتخب منطقه منا<sup>۱</sup>، با توجه به نقش دموکراسی مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که گسترش اندازه دولت، یا پایین بودن سطح دموکراسی می‌تواند سطح فساد در منطقه را افزایش دهد. همچنین اثر تعاملی اندازه دولت و دموکراسی بر فساد، گویای این مطلب است که با کاهش یافتن میزان دموکراسی، اندازه بزرگ تر دولت، میزان فساد را کاهش می‌دهد؛ این نتیجه بازخورد این مطلب است که در سطح دموکراسی پایین، سیستم نظارت و کنترل نیز کمتر است، در نتیجه وقوع فساد کمتر نشان داده می‌شود که الزاماً به معنای کاهش فساد نیست. بنابراین به منظور کاهش سطح فساد در دولت‌های منطقه،

(\*) - نویسنده مسئول: s.zeidizade@yahoo.com

گسترش دموکراسی و به ویژه آزادی مطبوعات و رسانه و تقویت سیستم نظارت و پاسخ‌گویی پیشنهاد می‌گردد.

طبقه بندی JEL : C23,D73,H11

کلیدواژه‌ها: فساد، اندازه دولت، دموکراسی، منطقه منا، داده‌های تابلویی.

## Examining Effect of Government Size on Corruption; With Emphasis on the Role of Democracy in MENA

**Nazar Dahmardeh**

Associate Professor in economics, University of Sistan and Baluchestan

**Mohammad Alizadeh**

Assistant Professor of economics, University of Lorestan

**Samira zeidizade**

M.A of Economics

### Abstract

Corruption is an anomalous phenomenon, economic, political and cultural. It exists in some developing and developed countries and because it is known as the most important barrier of progress and economic growth, therefore it is necessary to be focused.

The main objective of this paper is to understand the phenomenon of corruption and corruption associated with the identification of variables, including economic and political democracy.

Relationship between government size and corruption in the public sector is a matter of economics, the role of democracy. So this research uses Panel Data during the period 2003-2010 and investigates its impact on the corruption with the emphasis on the role of democracy in the 16 MENA countries.

The results show that expanding the size of government, or low levels of democracy, can increase the level of corruption in the region. Also interactive effects of government size and democracy on corruption, the fact that democracy is reduced, a larger size of government, reduce the level of corruption. This is the result of feedback, the low level of democracy, the system of monitoring and control lower, so that, corruption is shown less. That does not necessarily mean reducing corruption. Therefore, to reduce the level of corruption in government activities, the spread of democracy, especially freedom of the press and media, and strengthening oversight and accountability system is recommended.

**Keywords:** Corruption; Government size; Democracy; MENA; Panel data.

**JEL Classification:** C23,D73,H11

## ۱- مقدمه

دخالت کم یا گسترده دولت در اقتصاد، هر کدام به عللی متفاوت، رشد اقتصادی کشورها را محدود می‌کنند. به طوری که نه رشد و سطح بالای ثروت اقتصادی بدون دخالت دولت به دست می‌آید و نه جوامعی که سطح بالایی از اقتصادشان در انحصار دولت‌هاست می‌توانند به سطح نسبتاً بالایی از رشد اقتصادی دست یابند. بنابراین، بیش از هر چیز به وجود دولتی کارآمد و شفاف نیاز است تا در چارچوب آزادی‌های مدنی و حکمرانی خوب<sup>۱</sup> عمل کند و از بی‌عدالتی، تخصیص غیر بهینه و فساد جلوگیری کند.

فساد<sup>۲</sup> در معنای وسیع آن عبارت است از استفاده نادرست از اختیارات اعطا شده در جهت منافع شخصی. از دید منتسکیو<sup>۳</sup> فساد یک سیستم سیاسی خوب و صحیح را به یک سیستم سیاسی زشت و ناپسند تبدیل می‌نماید (Kordeloo, 2005:43) و به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع در راه پیشرفت اقتصادی، محسوب می‌شود که موجب ناکارآمدی سیاست‌های دولت می‌گردد و باعث کاهش سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی خواهد شد.

افزایش سطح دموکراسی، ارتباط بین المللی کشورها و ظهور سازمان شفافیت جهانی، منجر به شناخت بیشتر این پدیده در سطح جهانی شد. دو رویداد بزرگ در دهه گذشته، یعنی بحران اقتصادی شرق آسیا و رسوایی در زمینه فساد همراه با دخالت مقامات رده بالای دولتی، آگاهی عمومی درباره تأثیرات تباہ کننده فساد را افزایش داد. چنانچه در نظرسنجی‌ها همواره به عنوان بزرگ‌ترین مشکل از آن یاد شده است و در سطوح اقتصادی به عنوان عاملی دخیل در بحران مالی شرق آسیا محسوب می‌شود (Vini koomar & Imil pi, 2010:24). اولین امری که در ممانعت از وقوع فساد به عنوان یک عامل پیشگیری می‌تواند مؤثر باشد، بررسی علل فساد در جامعه است. فساد ممکن است مسأله‌ای ناشی از ساختار سیاست و اقتصاد کشورها باشد یا ریشه در فرهنگ و قواعد اخلاقی داشته باشد؛ اما دلایل، اشکال و نتایج حاصل از این مشکل در هر کشور شکل مخصوص به خود دارد. تفاوت‌ها از لحاظ سازمان‌های قانونی و سیاسی، میزان توسعه

1. Good Governance
2. Corruption
3. Montesquies

اقتصادی و ارزش‌های اجتماعی تأثیرات متغیری را در مقابله با فساد در پی دارد. بنابراین برای شناسایی و کنترل فساد تنها نباید به نقش متغیرهای اقتصادی پرداخت. از این رو در این مقاله، ضمن بررسی تأثیر متغیرهای اقتصادی بر فساد، به نقش متغیرهای سیاسی از جمله دموکراسی، با استفاده از فنون داده‌های تابلویی برای سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۱۰ توجه می‌شود. برای این منظور مهم‌ترین سؤال مورد بررسی این است که: آیا سهم زیاد بخش عمومی با فساد وابستگی دارد و تأثیر اندازه دولت بر فساد با توجه به افزایش دموکراسی چگونه است؟

این مقاله از پنج بخش تشکیل شده است. پس از مقدمه، در بخش دوم به مروری بر مبانی نظری و ادبیات موضوع پرداخته و مطالعات تجربی نیز آورده می‌شود. در بخش سوم به روش تحقیق و توصیف داده‌ها پرداخته و در بخش چهارم ضمن معرفی مدل و برآورد آن، یافته‌های مقاله مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. بخش پایانی این مقاله به خلاصه، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها اختصاص دارد.

### مروری بر مبانی نظری تحقیق

محتوای نظری مطالعات مربوط به فساد، به کار بکر<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) برمی‌گردد. او بیان می‌کند که عاملین اقتصادی، هزینه‌ها و منافع ناشی از شرکت در فعالیت‌های غیر قانونی را متعادل می‌کنند و عوامل خارجی مخصوصاً سیاست‌های دولت، اثر کلیدی و معناداری بر انگیزه مداخله در فعالیت‌های جنایی و غیر قانونی دارد. در این بخش ابتدا به مفهوم فساد و عوامل مؤثر بر آن پرداخته، سپس مدل‌های کلان مخارج عمومی و اندازه دولت مطرح شده و به منظور آشنایی بیشتر با این پدیده، مطالعات تجربی بررسی می‌شود.

### ۲-۱- مفهوم فساد

فساد و انواع آن پدیده تازه‌ای نیست و در مکاتب و جهان‌بینی‌های مختلف دارای مفاهیم و مصادیق متفاوت است؛ همان گونه که در قرآن کریم سوره اسراء آیه ۱۷ آمده است که "چون

۱. برای توضیحات بیشتر به Becker(1986) رجوع شود.

اهل دیاری را بخواهیم هلاک کنیم، پیشوایان و مترفین آن دیار را امر کنیم راه فسق و تباه کاری و فساد را پیش گیرند، و در آن زمان مستحق عذاب می شوند، پس آن گاه همه را هلاک می سازیم"<sup>۱</sup>.

در حدود ۳۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در "آرتاشاسترا" نوشته کائوتیلیا<sup>۲</sup> آمده است: "درست همان طور که نمی توان از چشیدن عسل یا زهری که نوک زبان به آن آغشته می شود خودداری کرد، برای کسی که با اعتبارات دولتی سروکار دارد، پرهیز از چشیدن دست کم اندکی از ثروت سلطان، امکان پذیر نیست"<sup>۳</sup> (Midri & kheirkhahan, 2004:4). در ادبیات سیاسی متفکرین مسلمان نیز از انواع متعددی از فساد نام برده شده است. چنانچه ابونصر فارابی در قرن چهارم هجری ضمن برشمردن اقسام جوامع جاهله به شش گونه از آن ها اشاره دارد که عبارتند از: اکتفا به ضروریات، ثروت طلبی، لذت جویی، شهرت طلبی (کرامت خواهی)، سلطه جویی (استبداد) و بی قیدی (رهایی).

خواجه نصیرالدین طوسی در قرن ششم هجری و عبدالرحمن ابن خلدون در قرن ششم هجری به سه نوع دیگر از فساد اشاره دارند که عبارتند از: استبداد (خود کامگی)، تجمل پرستی و تن-آسایی (Abolhasani, 2007:3). اینا کابکوا<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) ریشه اصطلاح فساد اداری را از واژه لاتین (corrumpere) معرفی می کند که به معنای شرکت چند نفر (دست کم دو نفر) در فعالیتی است که هدفش تخریب، نابودی یا خسارت زدن به حاکمیت است (Mirjalili, 2002:3). در جای دیگر تانزی<sup>۴</sup> برای فساد واژه لاتین (Rumpere) را معرفی می کند که به معنای شکستن است؛ به این معنا که در فساد چیزی می شکند یا نقض می شود که این چیز ممکن است یک هنجار اخلاقی، قانونی یا حتی مقررات اداری باشد.

بنا به تعریف میردال<sup>۵</sup> «فساد تمام شکل های گوناگون انحراف یا اعمال قدرت شخصی و

۱- «وإذا اردنا ان نهلك قرية أمرنا مترفيها ففسقوا فيها فحق عليها القول فدمرناها تدميراً»

۲- وزیر اعظم پادشاه هند

۳- برای توضیحات بیشتر به (Inna Cabekova (2001 رجوع شود.

4. Tanzi

5. Mirdal

استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی است» (Abaszadegan, 2004: 14). اکثر محققین فساد را سوءاستفاده از قدرت عمومی و دستگاه‌های دولتی برای بهره‌گیری خصوصی تعریف نموده‌اند، این تعریف هم‌چنین مورد استفاده بانک جهانی<sup>۱</sup> نیز هست (Tanzi, 1998: 68; Treisman, 2000: 15; Amnuldson, 2000: 4; Shleifer & Vishny, 1993: 5; Soon, 2006: 13; Mortazavi, 1991: 258).

با بررسی و تعاریف موجود در زمینه فساد می‌توان به این نتیجه رسید که در همه تعاریف، پدیده فساد یک نقل و انتقال منافع بین بخش دولتی و خصوصی است که طی آن منافع عمومی به سمت منافع خصوصی سوق می‌یابد. رز- آکرمن<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) رفتار یا فعالیت فسادآمیزی را که در مرحله تهیه بودجه صورت می‌گیرد، یعنی در مرحله‌ای که تصمیم‌های سیاسی حاکم است، فساد سیاسی و چنانچه در مرحله اجرای بودجه - که در آن تصمیم‌های اقتصادی و اداری وجه غالب دارد - رخ دهد، فساد اداری می‌نامد (Rose-Ackerman, 2000: 551).

از این تعریف نباید نتیجه گرفت که فساد در بخش خصوصی نمی‌تواند وجود داشته باشد؛ چنانچه در شرکت‌های بزرگ خصوصی این پدیده به وضوح وجود دارد؛ به‌عنوان مثال به هنگام استخدام و هم‌چنین در فعالیت‌های خصوصی تنظیم شده توسط دولت دیده می‌شود. در چندین مورد، فساد می‌تواند سوءاستفاده از قدرت عمومی به نفع یک حزب خاص، طبقه، قوم، دوستان، خانواده باشد. در واقع در بسیاری از کشورها بعضی از درآمدهای حاصل از فساد، در راستای تأمین مالی فعالیت‌های حزب‌های سیاسی تعریف می‌شود (Tanzi, 1998: 70).

## ۲-۲- عوامل مؤثر بر فساد

پژوهش‌های متعددی، تأثیر زیان‌بار فساد بر توسعه را نشان داده‌اند که ریشه‌یابی عوامل فساد واجب می‌گردد. از نظر برخی از متفکرین، ریشه فساد را باید در روحیات و روان انسان‌ها جستجو کرد، اما برخی از متفکرین، ریشه فساد را در شرایط و عوامل اجتماعی نظیر فرهنگ، سیاست و موقعیت اجتماعی می‌دانند (Abolhasani, 2007: 3). سه متغیر عمده سیاسی از جمله: نحوه تقسیم

- 
1. world bank
  2. Rose- Ackerman

قدرت سیاسی، میزان آزادی سیاسی و میزان ثبات سیاسی می‌تواند بر میزان فساد تأثیر گذار باشد. به عبارتی، ساختار سیاسی جامعه، میزان قدرت و مسئولیت سیاستمداران را تعیین می‌کند و از این طریق بر منافع و هزینه‌های فساد برای هر سیاستمدار مؤثر خواهد بود. از عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بر فساد مالی نیز می‌توان به ضعف وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی، ناآگاهی یا آگاهی کم مردم از حدود وظایف و فعالیت دستگاه‌ها و ناکارآمد بودن نظام تأمین اجتماعی اشاره نمود. در بخش اداری و مدیریتی نیز عدم وجود شفافیت و پاسخگویی در فعالیت‌های نظام اداری، مشکلات اقتصادی کارکنان، توزیع نامناسب درآمدها، عدم ثبات مدیریت و عدم امنیت شغلی کارکنان، اعطای اختیارات زیاد و قدرت بیش از حد و سوء استفاده از آن، نارسایی و پیچیدگی قوانین و مقررات، عدم وجود نظام تشویق و تنبیه متناسب اداری، نبود نظام شایسته‌سالاری و نظایر آنها را می‌توان علل گسترش فساد مالی برشمرد. (Sadeghi et al., 2010:146). در ادامه مهم‌ترین عوامل موثر بر فساد آورده می‌شود.

#### ۲-۲-۱- بررسی تاثیر تولید ناخالص داخلی بر فساد

پایین بودن تولید ناخالص داخلی، تأثیر قابل توجهی بر فساد دارد؛ زیرا کشورهایی با تولید ناخالص داخلی پایین، قادر به تخصیص منابع مالی کافی برای تأسیس و تنفیذ نظام حقوقی و قضایی مؤثر نیستند. بنابراین به دلیل عدم تأسیس سیستم‌های نظارتی، فساد می‌تواند افزایش یابد. در کشورهای نفت خیز به دلیل عدم پاسخگویی دولت‌ها و نیز انحصارات دولتی، حتی با وجود بالا بودن تولید ناخالص داخلی، فساد می‌تواند افزایش یابد.

#### ۲-۲-۲- بررسی تاثیر اندازه دولت بر فساد

فساد ریشه در فعالیت‌های دولت، بویژه قدرت انحصاری و نفوذ اختیارات آن دارد؛ از این رو بین میزان فساد و نحوه دخالت دولت در امورات اقتصادی و شدت گسترش فساد اداری رابطه مستقیمی وجود دارد (Habibi, 1996:20). سطح دستمزدها در بخش دولتی به عنوان مهم‌ترین عامل اثرگذار بر فساد اداری است. چنانچه اسرلایندبک<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) معتقد است که کم بودن میزان

۱- برای توضیحات بیشتر به Assar Lindbeck (1998) رجوع شود.

فساد مالی در سوئد را تا حدودی می توان به دلیل بالا بودن میزان حقوق مدیران بالا مرتبه دانست (Sadeghi et al., 2010:143). بنابراین فساد را باید نوعی عارضه از ضعف بنیادین دولت به شمار آورد، اگرچه از تعریف بالا، فساد با فعالیت دستگاه‌های دولتی و به ویژه انحصارات دولتی پیوند دارد، ولی حذف کامل دولت، واقع بینانه نیست و علاوه بر این، فساد در بخش خصوصی هم دیده می شود. نکته مهم این است که صرف اندازه و مداخله دولت نمی تواند عامل اثرگذاری در فساد باشد، بلکه مداخله دولت زمانی سبب افزایش فساد می شود که دولت در سازوکار بازار اختلال ایجاد کند یا بازار سیاه رواج پیدا نماید (Sameti et al., 2006:89).

### ۲-۲-۳- بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر فساد

شاخص آزادی اقتصادی<sup>۱</sup> که به طور متوسط میانگین ۸ شاخص شامل: آزادی کسب و کار، آزادی تجارت، آزادی مالی، آزادی بودجه، آزادی پولی، آزادی سرمایه گذاری، حقوق مالکیت، آزادی نیروی کار تعریف می شود که از سال ۱۹۷۵ به بعد توسط مؤسسه میراث آزادی<sup>۲</sup> منتشر می گردد. بنابراین آزادسازی اقتصادی شامل مجموعه اقداماتی است که به منظور برداشتن کنترل-های دولتی از بازار مالی، کالا و خدمات، فعالیت‌های بخش تجارت خارجی و واگذاری آن به مکانیزم بازار می باشد (Sameti et al., 2006:91). به طور کلی شیوع فساد در جایی محتمل است که وجود محدودیت‌ها و مداخله دولت دستیابی به سودهای کلان و نامعقول را ممکن ساخته باشد. از جمله این محدودیت‌ها و مداخلات دولت، وجود محدودیت‌های و موانع تجاری (مانند تعرفه‌ها و سهمیه بندی واردات)، سیاست‌های صنعتی تبعیض آمیز، کنترل قیمت‌ها، چندگانگی نرخ ارز و تخصیص سهمیه‌های ارزی و اعتبارات دولتی هستند. از این رو یکی از راهکارهای اساسی مبارزه با فساد، محدود ساختن فعالیت‌های اقتصادی دولت و تشویق بخش خصوصی به مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی از طریق آزادسازی اقتصاد است (Farajpoor, 2002:۱۱۲).

1. Economic freedom
2. Heritage Foundation



## ۲-۲-۴- بررسی تاثیر دموکراسی بر فساد

دموکراسی<sup>۱</sup> که میانگین شاخص‌های حقوق سیاسی<sup>۲</sup> و آزادی مدنی<sup>۳</sup> است، به‌عنوان یک عامل سیاسی که بر فساد تاثیر دارد، در نظر گرفته شده است. حقوق سیاسی، شامل انتخابات دموکراتیک، قوه قانون‌گذاری، احزاب مخالف و آزادی مدنی، شامل رسانه‌های گروهی آزاد و مستقل، آزادی بیان و تشکل اجتماع، با فساد همبستگی منفی دارند. اگرچه هیچ نظام سیاسی مبرا از فساد را نمی‌توان یافت، اما بین میزان فساد، مردم سالاری و سطح توسعه یافتگی یک رابطه وجود دارد. به این معنی که هرچه سطح توسعه یافتگی بالاتر و میزان دخالت و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت و نحوه مدیریت جامعه بیشتر باشد، به همان نسبت فساد قابلیت بروز کمتری می‌یابد (Treisman, 2000: 410). جانستون<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) نیز تأکید می‌کند که کنترل بیش از حد شهروندان باعث کاهش اعتماد آنها و افزایش فساد می‌شود. اگرچه فساد در جوامع دارای آزادی مطبوعات نیز وجود دارد، اما باید گفت آزادی مطبوعات و مردم سالاری این تضمین را می‌دهد که در صورت وقوع، فساد پنهان نمی‌ماند؛ از این رو این افشاگری‌ها می‌تواند از رشد و گسترش فساد جلوگیری کند. در کشورهای دموکراتیک سیاستمداران همواره «پاسخگو» به مردم و احزاب مخالف می‌باشند و به‌منظور کسب آرا در انتخابات برای مردم ارزش بسیار قائلند. زیرا رقابت احزاب شدید و کوشش برای آشکار کردن رسوایی حزب مقابل از طریق رسانه‌ها نسبتاً زیاد است. اما در کشورهایی که دارای دولت خودکامه هستند گروه‌های فشار با دادن رشوه به سیاستمداران به راحتی قوانین و لوایح تأمین‌کننده منافع خود را به تصویب می‌رسانند. بنابراین از این طریق فساد افزایش می‌یابد (Rafipoor, 2009: 17).

## ۲-۳- مدل‌های کلان مخارج عمومی

در این قسمت مدل‌های کلان رشد مخارج عمومی مورد بررسی قرار می‌گیرد که شامل سه نوع مدل: «مدل‌های توسعه رشد مخارج عمومی»، «قانون واگنر» و تحلیل «پیکاک و وایزمن»

1. Democracy
2. Political Rights
3. Civil Liberties
4. Janston

است (Poormoghim, 1996:305).

### ۲-۳-۱- مدل‌های توسعه رشد مخارج عمومی

مدل‌های «ماسگریو»<sup>۱</sup> و «رستو»<sup>۲</sup> نظری کلی بر فرایند توسعه است. به هر حال، اطلاعات حاکی از آن است که تغییرات سهم مخارج دولت و ترکیبات مختلف مخارج عمومی در دوره توسعه تغییر پیدا می‌کند. «ماسگریو» بر این عقیده است که در طول دوره توسعه نسبت کل سرمایه گذاری به تولید ناخالص ملی افزایش و نسبت سرمایه گذاری بخش عمومی به تولید ناخالص ملی کاهش می‌یابد. «رستو» بر این عقیده است که وقتی اقتصاد به مرحله بلوغ رسید، ترکیب مخارج عمومی از مخارج زیربنایی به مخارج تعلیم و تربیت و بهداشت و خدمات رفاهی عوض می‌شود. در مرحله تولید انبوه نگهداری سطح درآمد و برنامه‌های توزیع مجدد درآمد نسبت به مخارج عمومی بر اقلام دیگر و همین طور نسبت به تولید ناخالص ملی افزایش می‌یابد.

### ۲-۳-۲- قانون واگنر

واگنر<sup>۳</sup> اقتصاددان قرن نوزدهم، فرمول و نظریه معروف توسعه فعالیت‌های دولت را بر اساس عوامل تکنیکی، تمرکز جمعیت، شهرنشینی و غیره ارائه داد. این نظریه، که سهم بخش عمومی را در تولید ناخالص ملی مشخص می‌کند، به «قانون واگنر»<sup>۴</sup> شهرت یافته است. واگنر رشد مخارج عمومی بر تعلیم و تربیت و فرهنگ و بهداشت و رفاه را بر حسب ضریب حساسیت درآمدی تقاضا مشخص می‌کند. از نظر وی این خدمات دارای حساسیت درآمدی تقاضای بالاست. از این رو، با افزایش تولید ناخالص ملی مخارج عمومی بر این خدمات به نسبت بیشتری افزایش می‌یابد و این به نوبه خود باعث افزایش نسبت مخارج عمومی به تولید ناخالص ملی می‌شود.

### ۲-۳-۳- تحلیل پیکاک و وایزمن

1. Musgrave
2. Rostow
3. Wagner
4. Wagner's Law

شاید «تحلیل پیکاک و وایزمن»<sup>۱</sup> یکی از بهترین تحلیل‌های روند زمانی مخارج عمومی باشد. آن‌ها تحلیل خود را بر تئوری سیاسی مخارج عمومی دولت معطوف داشته‌اند. به این معنی که دولت تمایل دارد بیشتر پول خرج کند و افراد جامعه مایل به پرداخت مالیات کمتر هستند و دولت لازم است به خواسته‌های افراد جامعه جامه عمل بپوشاند. از این رو دولت برای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی، مخارج عمومی را انجام می‌دهد. وایزمن و پیکاک مالیات را محدودیتی برای مخارج دولت می‌دانند. با افزایش درآمد، درآمد مالیاتی - با نرخ مالیات ثابت - افزایش می‌یابد. اما مخارج عمومی، در زمان‌های معمولی، یک روند افزایشی تدریجی دارد و در مواقع غیرعادی، مانند جنگ، کساد و قحطی، روند افزایش مخارج عمومی تسریع می‌یابد. بنابراین دولت برای تأمین افزایش مخارج عمومی، مجبور است سطح مالیات‌ها را افزایش دهد. این افزایش مالیات، تنها در دوران غیر عادی مورد قبول مردم است. این تغییر در مخارج عمومی را «اثر جابجایی»<sup>۲</sup> نامیده‌اند. در زمان غیر عادی، مخارج عمومی جانشین مخارج خصوصی می‌شود و در نتیجه یک انتقال به طرف بالا در مخارج عمومی پدید می‌آید.

#### ۲-۴- پیشینه تحقیق

به طور کلی دو دیدگاه مختلف در مورد رابطه بین اندازه دولت و فساد وجود دارد: دیدگاه اول افزایش در اندازه دولت، فرصت بیشتری برای رانت جویی سیاسی فراهم می‌آورد و سیاستمداران و بروکرات‌ها فاسدتر می‌شوند؛ به عبارت دیگر، دولت بزرگ‌تر بازده مورد انتظار از فعالیت‌های غیرقانونی را افزایش می‌دهد و در نتیجه، انگیزه‌ای برای انجام فعالیت‌های غیرقانونی همچون فساد می‌شود. در مقابل، دیدگاه دیگر تاکید می‌نماید از آن جاکه یک دولت بزرگ‌تر یک سیستم نظارت و موازنه قدرت و مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی را ترویج می‌دهد، افزایش در اندازه دولت باید فساد را کاهش دهد.

گول و نلسون (۱۹۹۸) با استفاده از داده‌های (۱۹۸۷-۱۹۸۳) ایالات متحده به‌طور تجربی ضمن تأیید حمایت از مدل "جرم و جنایت" بکر، نتیجه گرفتند که دولت‌های محلی و ایالتی در ایالات

- 
1. peacock & Wisemans Analysis
  2. Crowding out effect

متحده، به نسبت دولت‌های مرکزی تأثیر مثبت و بیشتری در مبارزه با فساد داشته و دولت بزرگ تر را عامل گسترش فساد دانستند (Goel & Nelson, 1998). اما رزاکرم (۱۹۹۹) دولت بزرگ تر را عامل تسهیل کننده‌ای برای مقامات دولتی در درخواست رشوه می‌داند (Rose-Ackerman, 1999). حقانی (۲۰۰۰) نتیجه گرفت که تعداد کارکنان دولت بر سطح فساد اثر منفی دارد (Haghani, 2000). میرجلیلی (۲۰۰۲) معتقد است مهم‌ترین علل فساد اقتصادی در اقتصاد بخش عمومی به تصدی‌های دولت در اقتصاد مربوط می‌شود (Mirjalili, 2002). آلسینا و آنگلسستوس (۲۰۰۵) در یک مدل نظری دولت بزرگ تر را عامل افزایش فساد دانستند. آن‌ها استدلال می‌نمایند زمانی که نابرابری در آمد و بی‌عدالتی، به خاطر فساد ایجاد می‌شود، سیاست حمایتی توزیع مجدد ثروت به قصد اصلاح نابرابری و بی‌عدالتی، ضعیف عمل می‌کند و ثروتمندان از آن بیش تر منتفع می‌گردند، زیرا می‌توانند اجاره بهای بیش تری ناشی از افزایش حجم دولت را به دست آورند؛ در نتیجه، تاثیر توزیع مجدد ثروت کوچک می‌شود و فساد بزرگ باقی می‌ماند (Alesina & Angelelitos, 2005). گول و بوداک (۲۰۰۶) اندازه بزرگ تر دولت را در کشورهای در حال گذار مانعی برای فساد دانستند (Goel & Budak, 2006). بیگلر و گول (۲۰۰۹) با استفاده از روش تجربی نشان دادند افزایش در اندازه دولت منجر به کاهش فساد تقریباً در تمام درجات فساد است (Billger Goel, 2009). علمی و صیادزاده (۲۰۱۰) در یک مقاله تحلیلی با عنوان "فساد، اندازه دولت و درجه باز بودن اقتصاد" نتیجه گرفتند که رابطه فساد اقتصادی با اندازه دولت مستقیم است. بنابراین فساد، بیشتر در کشورهایی مشکل ساز می‌شود که گذشته از بزرگ بودن دولت، شاخص باز بودن اقتصاد مطلوب نیست (Elmi and Sayadzade, 2010). گول و نلسون (۲۰۱۰) ضمن بررسی نقش عوامل تاریخی و جغرافیایی بر فساد، برخی دخالت‌های دولت را در کنترل فساد مؤثر دانستند. اما دولت بزرگ تر، در هر نمونه و کشوری دلالت بر فساد کمتر نیست (Goel & Nelson, 2010). گو و همکاران (۲۰۱۰) با تأکید بر نقش دموکراسی در ۸۲ کشور نتیجه گرفتند که دموکراسی می‌تواند عامل تعیین کننده کنترل فساد توسط دولت باشد و در کشورهایی که دموکراسی به اندازه کافی تثبیت باشد، افزایش اندازه دولت باعث کاهش فساد می‌شود (Go et al., 2010). صادقی و سجودی (۲۰۱۱) در مقاله "وابستگی فساد و اندازه دولت در کشورهای اسلامی" در ۳۲ کشور اسلامی طی دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ با بهره‌گیری از روش علیت گرنجر- هوانگ در الگوی داده‌های تابلویی، نشان دادند که

اندازه دولت اثری بر فساد ندارد، در حالی که اثرگذاری فساد بر اندازه دولت‌ها تأیید شده است (Sadeghi & Sajoodi, 2011). بنابراین نقش برخی عوامل، مانند اندازه دولت بر فساد نامشخص است. در بررسی نقش عوامل دیگر بر فساد می‌توان به تحقیقات زیر اشاره کرد:

مائور<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) در تحقیقات تجربی خود، سرمایه‌گذاری و رشد بالاتر را عامل کاهش فساد دانست. رز-آکرمن (۱۹۹۹) محدودیت آزادی اقتصادی را عامل افزایش فساد می‌داند (Rose-Ackerman, 1999). لاپورتا و همکاران (۱۹۹۹) اشاره می‌کنند که دموکراسی بالا، سطح فساد را کاهش می‌دهد (Laporta et al., 1999) هلمن و همکاران (۲۰۰۰) نتیجه گرفتند که فقدان آزادی‌های مدنی عامل گسترش فساد است (Hellman et al., 2000) گراف و مهلکوپ (۲۰۰۳) ارتباط مثبت و معناداری بین آزادی اقتصادی و سطح فساد در کشور را نتیجه گرفتند که به سطح توسعه یافتگی و فقیر یا ثروتمند بودن هر کشور نیز بستگی دارد و برخلاف انتظار برخی از مقررات، فساد را کاهش می‌دهد (Graeff & Mehkop, 2003). سامتی و همکاران (۲۰۰۶) نتیجه گرفتند که سه جزء آزادی اقتصادی (ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت، پول سالم، آزادی مبادله با خارجی‌ان) دارای اثر مثبت و معنادار بوده، اما دو جزء دیگر (اندازه دولت و قوانین و مقررات) بر فساد مالی بی‌معنی است (Sameti et al., 2006). ساها و همکاران (۲۰۰۹) نتیجه گرفتند که سطح پایین آزادی اقتصادی در هر فضای سیاسی، سطح فساد را افزایش می‌دهد (Saha et al., 2009). سرا (۲۰۰۹) نبود دموکراسی و عدم ثبات سیاسی را عامل مهمی در گسترش فساد می‌دانست، چنانچه در کشورهای ثروتمند که سطح دموکراسی به اندازه کافی بالا باشد فساد نیز کم‌تر است (Serra, 2009).

### ۳- توصیف و معرفی داده‌ها

در جدول شماره (۱) اسامی متغیرها به همراه منبع انتشار آن‌ها به طور کامل شرح داده شده است. متغیر وابسته، شاخص ادراک فساد است که از سال ۱۹۹۶ هر ساله توسط سازمان جهانی شفافیت منتشر می‌شود. تفسیر این رتبه‌بندی این گونه است که نمره ۱۰ به معنای عدم فساد است و

1. Mauro (1995)

نمره صفر به معنای حداکثر فساد است. به طور کلی کشورهای که نمره آنها کمتر از ۵ است، دارای مشکلات جدی در زمینه فساد هستند. در یک طبقه بندی خاص می توان گفت: شیوع فساد در کشورهای فقیر و در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته بالاتر است. چنانچه طبق رتبه بندی سازمان شفافیت جهانی در سال ۲۰۱۰، تنها ۱۳ درصد از کشورهای جهان دارای رتبه مناسب در زمینه کنترل فساد بوده اند و به اصطلاح کشورهای پاکی هستند که اکثراً عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی می باشند، در حالی که نزدیک ۲۵ درصد از کشورهای جهان در سطح ضعیف و یا نسبتاً ضعیفی از کنترل فساد قرار داشته اند. ۶۳ درصد باقیمانده از کشورها در سطح بسیار وخیمی از فساد به سر می برند (Transparency International, 2010)

جدول ۱- معرفی متغیرها و منبع انتشار داده های مرتبط با آن

منبع داده های متغیر	توصیف متغیر (حدود)	عنوان متغیر
سازمان شفافیت جهانی	شاخص ادراک فساد. هرچه نمره فساد به عدد ۱۰ نزدیک باشد، یعنی میزان فساد کمتر است. حداکثر نمره ۱۰ و حداقل صفر است.	شاخص ادراک فساد
شاخص توسعه جهانی	سهم هزینه های مصرف نهایی دولت از تولید ناخالص داخلی	اندازه دولت
شاخص توسعه جهانی	تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی در برابری قدرت خرید در سال ۲۰۰۵	تولید ناخالص داخلی سرانه
خانه آزادی <sup>۱</sup>	میانگین دو شاخص حقوق سیاسی و آزادی مدنی است. هرچه نمره دموکراسی بالاتر رود، یعنی میزان دموکراسی کمتر است. (۷-۱)	دموکراسی
بنیاد هریتیج <sup>۲</sup>	آزادی اقتصادی میانگین ۸ شاخص: آزادی کسب و کار، تجارت، مالی، پولی، بودجه، سرمایه - گذاری، نیروی کار و حقوق مالکیت است (۱۰۰-۰)	آزادی اقتصادی
شاخص توسعه جهانی	سهم جمعیت صفر تا چهارده سال بر کل جمعیت	سهم جمعیت زیر ۱۵ سال از کل جمعیت

منبع: در ستون آخر جدول آمده است.

جهت توصیف بهتر داده ها، حدود هر متغیر به اضافه میانگین و انحراف استاندارد طی سال های

1. Freedom house
2. Heritage Foundation

۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ در جدول شماره (۱) نشان داده شده است. حد اکثر و حداقل شاخص ادراک فساد طی دوره مورد بررسی به ترتیب ۷/۷ و ۱/۸ بوده و میانگین آن در منطقه ۴/۲ است. در این میان، استفاده از شاخص های جهانی علی رغم اینکه سبب می شود مقایسه کشورها با هم به خوبی لحاظ نشود و خیلی با واقعیت انطباق نداشته، اما وجود فساد در منطقه واقعیتی غیر قابل انکار است که نیازمند تحقیق و مطالعه جدی است. همچنین میانگین سطح دموکراسی در منطقه ۵/۵۴ بوده و با توجه به اینکه رتبه یک به عنوان آزادترین کشور و رتبه هفت پایین ترین سطح آزادی است، در مجموع نشان دهنده ضعف سیستم کنترل و نظارت است که موجبات گسترش فساد را به همراه دارد.

جدول ۲- توصیف داده های سال های ۲۰۱۰-۲۰۰۳

متغیرها	نماد	میانگین	استاندارد انحراف	حداقل	حداکثر
فساد	Cpi	۴/۲	۱/۴۲	۱/۸	۷/۷
درصد اندازه دولت	Govs	۱۶/۶	۴/۸	۱۰	۲۸
تولید ناخالص داخلی سرانه	Gdppc	۱۸۸۸۰	۱۸۴۱۶/۴	۳۳۲۳	۷۴۱۶۴
دموکراسی	Demo	۵/۵۴	۰/۹۱	۴	۷
آزادی اقتصادی	Free	۵۸/۸	۹/۵	۳۱/۵	۷۶/۶
درصد سهم جمعیت زیر ۱۵ سال از کل جمعیت	PR	۲۸/۲	۵/۷	۱۳	۳۹

منبع: یافته های تحقیق، خروجی نرم افزار Eviews

## معرفی و تخمین مدل

محققان جهت اندازه گیری متغیرهای منافع و هزینه فساد، از عوامل و متغیرهای متفاوتی بهره جستند، تا معنادار بودن آنها را آزمون نمایند، اما با این حال، درخصوص عوامل تعیین کننده فساد در ادبیات مبارزه با فساد اتفاق نظری وجود ندارد. اولین متغیر تاثیرگذار بر فساد، تولید ناخالص داخلی سرانه است که تأثیر قابل توجهی بر فساد دارد. سهم هزینه های مصرف نهایی دولتی بر تولید ناخالص داخلی، شاخصی است که به منظور

تخمین اندازه دولت به کار می‌رود. طبق تعریف شاخص‌های توسعه جهانی<sup>۱</sup>، هزینه‌های مصرفی نهایی دولت عبارت است از کل هزینه‌های جاری دولت برای خرید کالا و خدمات که شامل جبران خدمات نیروی کار نیز می‌باشد. بنابراین اندازه دولت ممکن است بر سطح فساد در یک کشور تأثیر بگذارد، دولت می‌تواند در نقش یک عامل بازدارنده یا انگیزه‌ای فساد باشد، در کشورهایی که مالکیت دولتی گسترده بر اقتصاد، مقررات و مالیات‌های افراطی برای کسب و کار و محدودیت‌های تجارت زیادی وجود داشته و به کار گرفتن قوانین دلیل باشد، فساد بیش تر است. آزادی اقتصادی به عنوان متغیر کنترل، در معادله گنجانده شده است. بنابراین مدل اولیه جهت برآورد، به شکل زیر ارائه می‌شود:

$$Cpi_{it} = \beta_0 + \beta_1 Govs_{it} + \beta_2 GDPpc_{it} + \beta_3 free_{it} + U_{it} \quad (1)$$

در این ارتباط،  $Cpi_{it}$ ، شاخص ادراک فساد به عنوان متغیر جایگزین برای اندازه‌گیری فساد، در نظر گرفته شده است.  $Govs_{it}$ ، سهم مخارج مصرفی دولت از تولید ناخالص داخلی (اندازه دولت)،  $GDPpc_{it}$  تولید ناخالص داخلی سرانه و  $free_{it}$ ، بیانگر آزادی اقتصادی است. پژوهش‌ها نشان داده است میان حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی با فساد همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. آزادی‌های مدنی و مطبوعات آزاد باعث کنترل فساد می‌شوند. بنابراین به منظور دستیابی به نتایج بهتر، شاخص دموکراسی ( $Demo_{it}$ ) به عنوان یک عامل سیاسی، به مدل اضافه شده است. در نتیجه معادله 2 به شکل زیر ارائه می‌شود:

$$Cpi_{it} = \beta_0 + \beta_1 Govs_{it} + \beta_2 GDPpc_{it} + \beta_3 free_{it} + \beta_4 demo_{it} + U_{it} \quad (2)$$

با استفاده از مدل گو و همکاران (۲۰۱۰) برای به دست آوردن نقش دموکراسی در رابطه بین اندازه دولت و فساد، اثرات تعاملی اندازه دولت و دموکراسی را که با نماد ( $Govs_{it} \times Demo_{it}$ ) مشخص شده است، به مدل اضافه می‌کنیم. این رویکرد ما را قادر می‌سازد تا به چگونگی تأثیر سطح دموکراسی بر رابطه بین اندازه دولت و فساد بپردازیم. شلتون<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) سهم جمعیت زیر ۱۵

1. World Development International  
2. Shelton



ساله را به عنوان متغیر ابزاری در تخمین مدل به کار برد (Go et al., 2010:4). تمرکز اصلی این مقاله، بررسی اثر اندازه دولت بر فساد، با تاکید بر نقش دموکراسی با استفاده از داده‌های مقطعی ۱۶ کشور شرق آسیا و شمال آفریقا در دوره زمانی ۲۰۰۳-۲۰۱۰ است. برای رسیدن به این هدف، معادله کلی به شکل زیر عنوان می‌شود:

$$Cpi_{it} = \beta_0 + \beta_1 Govs_{it} + \beta_2 GDPpc_{it} + \beta_3 Demo_{it} + \beta_4 Govs_{it} \times Demo_{it} + \beta_5 free_{it} + U_{it} \quad (3)$$

بر اساس ادبیات اقتصادسنجی داده‌های تابلویی<sup>۱</sup>، قبل از تخمین مدل لازم است با استفاده از آماره آزمون F لیمر همگنی داده‌ها و در نتیجه استفاده از روش تخمین داده‌های تابلویی مورد آزمون قرار گیرد. در ادامه، به منظور انتخاب روش تخمین مناسب از بین روش با اثرات ثابت و تصادفی باید از آماره آزمون هاسمن استفاده شود.

۴-۱- آزمون قابلیت تخمین مدل به صورت داده‌های تابلویی (آزمون اثرات ثابت فردی)  
 آزمون اثرات ثابت فردی برای تشخیص پانل<sup>۲</sup> یا ترکیبی بودن مدل<sup>۳</sup> استفاده می‌شود. در اینجا از آماره F مربوط به رگرسیون مقید در مقابل رگرسیون غیر مقید، با استفاده از مجموع مجدورات پسماندها و یا ضریب تعیین استفاده می‌شود. نتایج این آزمون در جدول شماره (۳) آمده است.

جدول ۳- آزمون وجود اثرات ثابت فردی برای مدل پانل (نتایج آزمون F)

معنی داری	آماره F	فرض صفر: Pooled بودن مدل
رد فرضیه ی صفر	۴۱/۱۹	مدل (۱)
رد فرضیه ی صفر	۴۱/۱۶	مدل (۲)
رد فرضیه ی صفر	۴۲/۱۱	مدل (۳)

منبع: یافته‌های محققین

بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون F که در جدول (۳) نیز نشان داده شده است، در هر سه

۲- با توجه به اینکه زمان مطالعه کوتاه است، نیاز به بررسی پویایی متغیرها نیست.

2. Panel  
 3. Pooled

مدل، مقدار آماره F محاسبه شده معنی دار است؛ بنابراین، می توان نتیجه گرفت که هر کشور دارای عرض از مبدأ خاص خود می باشد. به عبارت بهتر در این مدل ها، الگوی رفتاری متغیر وابسته برای کشورهای مختلف متفاوت خواهد بود.

#### ۲-۴- آزمون تعیین اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی

برای انتخاب از بین دو مدل اثرات ثابت (FEM)<sup>۱</sup> و مدل اثرات تصادفی (REM)<sup>۲</sup>، که کدام یک گزینه بهتری است، از آزمون هاسمن استفاده می کنیم. نتایج آزمون در جدول (۴) نشان می دهد که در هر سه مدل، فرض صفر مبنی بر تصادفی بودن اثرات فردی به نفع ثابت بودن اثرات را نمی توان رد کرد. به عبارت دیگر، بین اثرات تصادفی و متغیرهای توضیحی همبستگی وجود ندارد و این به این معنای مناسب بودن مدل اثرات تصادفی است. خروجی آزمون ها در پیوست آمده است.

جدول ۴- نتایج آزمون هاسمن برای تعیین اثرات ثابت یا تصادفی در مدل پانل

فرض صفر: اثرات تصادفی	آماره کای - دو	درجه آزادی	سطح معناداری
مدل (۱)	۱/۸۲	۳	۰/۶۷
مدل (۲)	۱/۶۷	۴	۰/۷۹
مدل (۳)	۸/۱۶	۵	۰/۱۴

منبع: یافته های تحقیق

#### ۳-۴- نتایج برآورد مدل

در قسمت قبل، مدل های داده های تابلویی با اثرات تصادفی انتخاب شد. در ادامه ۳ مدل ذکر شده تخمین زده شد. همان طور که در جدول شماره (۵) نشان داده شده است، کلیه متغیرهای مدل تأثیر معناداری بر سطح فساد دارند. تولید ناخالص داخلی سرانه بر سطح فساد دارای تأثیر منفی و معنادار است. افزایش درآمد سرانه باعث کاهش نمره فساد در منطقه شده که به معنای افزایش

1. Fixed Effect Model
2. Random Effect Model

فساد است. این مسأله، به دلیل نفت خیز بودن کشورهای منطقه، به خصوص کشورهایی که ثروت‌های طبیعی فراوان دارند، باعث ایجاد قدرت سیاسی و اقتصادی شده که منجر به بروز فساد می‌شود.

ضریب متغیر اندازه دولت در هر سه مدل نشان می‌دهد که در اثر گسترش اندازه دولت، فساد افزایش می‌یابد. به عبارتی اندازه بزرگ تر دولت فرصت بیشتری را برای رانت جویی سیاسی فراهم می‌کند و سیاست‌مداران و بروکرات‌ها را فاسدتر می‌کند که این نتیجه نیز توسط رز-آکرمن (۱۹۹۹) تأیید گردیده است. همچنین کاهش سطح دموکراسی منجر به بروز فساد بیشتر در منطقه می‌شود. بنابراین وجود دموکراسی و آزادی سیاسی نقش مهمی در کاهش سطح فساد دارد. به منظور شناسایی نقش دموکراسی بر اثر تعاملی رابطه بین اندازه دولت و فساد، نمودار شماره (۱) که در واقع مشتق فساد نسبت به اندازه دولت بوده و از مدل ۳ استخراج شده است را برابر با صفر قرار می‌دهیم تا حد آستانه دموکراسی به دست آید:

$$Cpi = 24/35 - 5/002 * Govs - 0/13 * Gdppc - 1/47 * Fre_e - \quad (۴)$$

$$\frac{\Delta Cpi}{Govs} = -5/002 + 2/57 * Demo \quad (۵)$$

$$\frac{\Delta Cpi}{Govs} = 0 \rightarrow Demo = 1/94$$

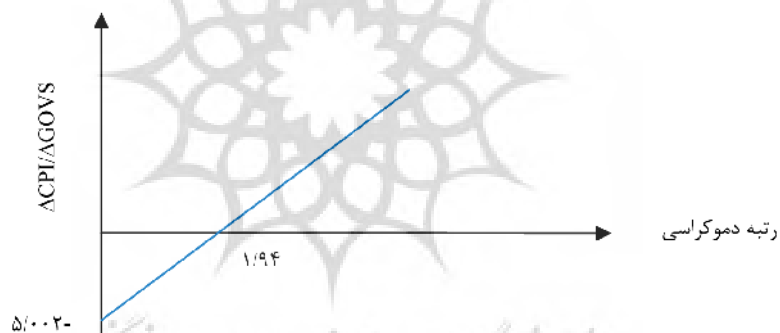
این مدل نشان می‌دهد که اثر افزایش اندازه دولت بر فساد، تابع خطی از سطح دموکراسی است. سطح ۱/۹۴ حد آستانه دموکراسی است. در این سطح از دموکراسی تغییرات اندازه دولت بر فساد بی‌اثر است. اگر سطح دموکراسی بالاتر از حد آستانه باشد، اثر تعاملی اندازه دولت و دموکراسی نشان می‌دهد که با کاهش سطح دموکراسی، اندازه بزرگ تر دولت، سطح فساد را کمتر کرده است؛ به عبارتی در این منطقه سطح دموکراسی پایین است و سیستم نظارت و کنترل نیز کمتر بوده، در نتیجه وقوع فساد را کمتر نشان می‌دهد که الزاماً به معنای کاهش فساد نیست. متغیر آزادی اقتصادی که شامل حقوق سیاسی و آزادی مدنی است، به‌عنوان یک متغیر مهم تأثیر معناداری بر فساد دارد که در مدل (۱) و (۲) بدون لحاظ شاخص دموکراسی معنادار نیست، اما با ورود شاخص دموکراسی این متغیر معنادار شده است. در مدل (۳)، آزادی اقتصادی منجر به کاهش رتبه فساد شده که به معنای افزایش فساد است.

جدول ۵- تخمین مدل (متغیر وابسته شاخص ادراک فساد است)

متغیرها	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳
C	۶/۱۱ (۰/۰۰۰۱)	۷/۳۵ (۰/۰۰۰)	۲۴/۳۵ (۰/۰۰۰۷)
GOVS	-0/55 (0/022)	-0/07 (0/011)	-5/002 (۰/۰۰۲۷)
GDPPC	-0/15 (0/04)	-0/15 (0/03)	-0/13 (0/04)
Free	-0/44 (0/31)	-0/54 (0/26)	-1/47 (0/019)
Demo	-	-0/24 (0/26)	-8/37 (0/048)
DEMO*GOVS	-	-	2/57 (0/05)
n	۶۲	۶۲	۶۲
R <sup>2</sup>	0/57	0/81	0/70

منبع: یافته‌های محققین (اعداد داخل پرانتز بیانگر درصد احتمال است). از کلیه متغیرها به جز درصد سهم جمعیت (۰-)

(۱۴) از کل جمعیت،  
لگاریتم گرفته شده است.



منبع: یافته‌های تحقیق

منبع: یافته‌های تحقیق

نمودار ۱- اثرات اندازه دولت بر فساد در سطوح مختلف دموکراسی

### ۵- نتیجه گیری و پیشنهادها

از آن جا که دخالت دولت در اقتصاد جهت تقویت سازوکار بازار برای کشورهای در حال توسعه ضروری است، این دخالت، باعث افزایش اندازه دولت می شود. در ضمن توجه به اینکه داده های مربوط به دموکراسی در منطقه مورد مطالعه از همگنی مناسب برخوردار نیست و نمی تواند به درستی وضعیت منطقه را منعکس کند، اما در مجموع نتایج مطالعه نشان می دهد، هنگامی که سطح دموکراسی پایین است، به دلیل ضعف سازوکارهای کنترل و نظارت و آزادی های رسانه و مطبوعات، در نتیجه گسترش اندازه دولت، سطح فساد کمتر شده، که می تواند ناشی از عدم افشا و گزارش آن باشد.

آزادی اقتصادی نیز به عنوان یک عامل دیگر در کاهش فساد، تنها با اعمال سازوکارهای نظارت و وجود سطح بالای دموکراسی دارای تأثیر معنادار بوده و افزایش آن در منطقه به دلیل نبود آزادی سیاسی که پیش شرط آزادی اقتصادی است، موجبات فساد را به همراه دارد. با افزایش سطح درآمد سرانه، سطح فساد افزایش می یابد؛ زیرا در این منطقه دولت ها به جای تکیه بر درآمدهای پایدار مالیاتی بر منابع طبیعی برای تأمین مالی تأکید دارند، در نتیجه قدرت پاسخگویی به مردم کمتر شده که احتمال وقوع فساد را افزایش می دهد. بنابراین پیشنهاد می شود ضمن توجه و تأکید به خصوصی سازی و کاهش انحصارات دولتی، با گسترش دموکراسی و مخصوصاً آزادی مطبوعات و رسانه ها، راه را برای هر گونه ارتشا و اختلاس کم کرده و سیستم نظارت و پاسخگویی را تقویت بخشید.

#### References

- 1- Abaszadegan, S.M.(2004). "Corruption". The cultural Research office, the economic & Reseach. (In Persian).
- 2- Abolhasani, R.(2007). "Political.corruption in view of some moslems thinkers". Politics chapter, Vol. 37 (4) ,pp. 19-1. (In Persian).
- 3- Alesina, A., & Angeletos, G.-M. (2005). Corruption, inequality, and fairness. Journal of Monetary Econmomics, 52, 1227-1244.
- 4- Amnuldse, L. (2000). Corruption: difinitions and concepts. Chr.Michelsen Institute Development Studies and Human Righta.
- 5- Billger, S. M., & Goel, R. K. (2009). Do existing corruption levels matter in controlling corruption? cross-country quantile regression estimates. Journal of Development Economics, 90, 299-305.
- 6- Elmi, z. and A., Sayadzade.(2010). "Corruption, government size and opens of economic: Analysis of empirical and theoretical". The Economical political Information, 254, pp. 242-257. (In Persian).

- 7- Farajpoor, M. (2002). The barricade of development: study of poverty, prejudice and corruption. Rasa cultural services Institution. (In Persian).
- 8- Go, k. keisuke, O. and Sovannroeun, s .(2010)." A study on the relationship between corruption and government size: the role of democracy". Munich Personal RePEc Archive.
- 9- Goel, R. K., & Nelson, M. A. (1998). Corruption and government size: a disaggregated analysis. *Public Choice*, 97, 107-120.
- 10-Goel, R. K., & Nelson, M. A. (2010). Causes of corruption: History, geography and government. *Journal of Policy Modeling* , 32, 433-447.
- 11-Goel, R.K and Budak, J. (2006). "corruption in transition economics: effects of government size, country size and economic reforms". *Enonomic and inance*, vol 30, 240-250.
- 12-Graeff, P.and Mehlkop, G,. (2003). The impact of economic freedom on corruption: different patterns for rich and poor countries, *European Journal of Political Economy*,19,605-620.
- 13-Habibi, N.(1996). Coorruption, vasghi publication. (In Persian).
- 14-Haghani, F. (2000). "Stadying the economical reasons of financial corruption in iran". Master thesis, social & human science college, Mazandaran. (In Persian).
- 15-Hellman, Joel, Geraint Jones, and Daniel Kaufmann.(2000). *Seize the State, Seize the Day: An Empirical Analysis of State Capture and Corruption in Transition Economies*. Paper presented at the Annual Bank Conference on Development Economics, Washington, D.C.
- 16-Kaufmann, Daniel, Aart Kraay, and Pablo Zoido-Lobatón. (1999). *Aggregating Governance Indicators*.Policy Research Working Paper no.2195. World Bank, Policy Research Department ,Washington, D.C.
- 17-Kordloo, M.R.(2006). "Corruption". *Accounting & science chapter*, 5(16), pp.63-41. (In Persian).
- 18-La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A., & Vishny, R. (1999). The quality of government. *Journal of Law, Economics, and Organization*, 15, 222-279.
- 19-Mauro, P. (1995). Corruption and growth. *Quarterly Journal of Economics*, 110, 681-712.
- 20-Midry, A., and Kheirkhahan., J. (2004). *Good governance; the base of development*, Tehran: Economical study administration: The center of islamic parliament Research. (In Persian).
- 21-Mirjalili, h.(2002). "Corruption and economic reformation in iran", The second 2.yearly seminar of economic. The Program and theory basics Modares Training Collage, Tehran Economics Research Center. (In Persian).
- 22-Mortazavi, S.(1991). "The study, Analysis the cause of corruption and it effected". Summary of The first seminar of official development. (In Persian).
- 23-Poormoghim, javad. (1996). *Public sector economice*, Ney puplication. (In Persian).
- 24-Rafipoor, F. (2009). *Corruption as a social canceer*,puplication shares company.(In Persian).

- 25-Rose-Ackerman, S. (1999). Corruption and government: causes, consequences, and reform. Cambridge: Cambridge University Press.
- 26-Rose-Ackerman, S. (2000). Corruption. Chapter 30. Encyclopedia of public choic.
- 27-Sadeghi, H., A. assari and Shfaqy Shahri, V. (2010). Measuring Corruption in Iran using fuzzy logic (economic approach), Economic Journal,NO.10(4). Pp. 139-174. (In Persian).
- 28-Sadeghi, K., & Sajoodi, S. (2011). "Depended of coorruption and government size in the organization of The Islamic Countries", political-economic chapter, vol.285, pp. 203-194. (In Persian).
- 29-Saha, S., Gounder, R., & Su, J.-J. (2009). The interaction effect of economic freedom and democracy on corruption: a panel cross-country analysis. Economics Letters, 105,173-176.
- 30-Sameti, M. et al.(2006). "Studying the effect of freedom economic on corruption", The iran of Economical Researchs Chapter, 28, pp.87-105. (In Persian).
- 31-Serra, D. (2006). Empirical determinants of corruption: a sensitivity analysis. Public Choice, 126, 225-256.
- 32-Shleifer, A & Vishny, V. (1993). Corruption .Quarterly Journal of Economics.
- 33-Soon, L. G. (2006). Marco- Economic outcomes of corruption: A longitudinal Empirical study. Singapore management review: 28: 1; ABI/ INFORM Global.
- 34-Tanzi, V. (1998). 'Corruption around the World: Causes, Consequences, Scope and Cures. IMF Staff Papers,45: 559-594.
- 35-Treisman, D. (2000). The causes of corruption: a cross-national study. Journal of Public Economics, 76, 399-457.
- 36-Vini Koomar, B., & Imil pi, B.(2010). Challenge of corruption in Asia, hosein azim beik & Ali Reza Dihlim, Tehran: New of time. (In Persian).
- 37-Transparency Iternational (TI), Corruption Perceptions Index, 2010.
- 38-World Bank, World development indicators, washington,Various issues.

## پیوست ۱- معرفی کشورهای مورد مطالعه

جدول ۱- اسامی کشورها

نام کشور	علامت	نام کشور	علامت
الجزیره	DZA	لیبی	LBY
بحرین	BAH	مراکش	MAR
مصر	EGY	عمان	OMN
جمهوری اسلامی ایران	IRN	قطر	QAT
رژیم اشغالگر قدس	ISR	عربستان سعودی	ARE
اردن	JOR	سوریه	SYR
کویت	KWT	تونس	TUN
لبنان	LBN	امارات متحده عربی	USA

جدول ۲- شاخص ادراک فساد طی سالهای (۲۰۱۰-۲۰۰۳)

کشور	2003	2004	2005	2006	2007	2008	2009	2010
امارات متحده عربی	4.5	3.4	3.4	۳.۳	3.4	3.5	4.3	4.7
بحرین	6.1	5.8	5.8	۵.۷	5	5.4	5.1	4.6
الجزیره	2.6	2.7	2.8	۳.۱	3	3.2	2.8	2.9
مصر	3.3	3.2	3.4	۳.۳	2.9	2.8	2.8	3.1
جمهوری اسلامی ایران	3	2.9	2.9	۲.۷	2.5	2.3	1.8	2.2
رژیم اشغالگر قدس	7	6.4	6.3	۵.۹	6.1	6	6.1	6.1
اردن	4.6	5.3	5.7	۵.۳	4.7	5.1	5	4.7
کویت	5.3	4.6	4.7	۴.۸	4.3	4.3	4.1	4.5
لبنان	3	2.7	3.1	۳.۶	3	3	2.5	2.5
لیبی	2.1	2.5	2.5	۲.۷	2.5	2.6	2.5	2.2
مراکش	3.3	3.2	3.2	۳.۲	2.5	3.5	3.3	3.4
عمان	6.3	6.1	6.3	۵.۴	4.7	5.5	5.5	5.3
قطر	5.6	5.2	5.9	۶	6	6.5	7	7.7
عربستان	5.2	6.1	6.2	۶.۲	5.7	5.6	6.5	6.3
سوریه	3.4	3.4	3.4	۲.۹	2.4	2.1	2.6	2.5
تونس	4.9	5	4.9	۴.۶	2.4	4.4	4.2	4.3

منبع: گزارش های سالانه سازمان شفافیت جهانی (TI)



## پیوست ۲- خروجی نرم افزار EViews 7

جدول ۱- نتایج تخمین مدل اول با روش اثرات تصادفی

جدول ۳- نتایج تخمین مدل دوم با روش اثرات تصادفی

Dependent Variable: LOG(CPI?)

Method: Pooled IV/Two-stage EGLS (Cross-section random effects)

Date: 05/25/12 Time: 11:03

Sample (adjusted): 2006 2010

Included observations: 5 after adjustments

Cross-sections included: 16

Total pool (unbalanced) observations: 62

Instrument list: C LOG(CPI?(-1)) PR? LOG(GOVER?(-1)) LOG(GDP?(-1))

LOG(FREE?(-1)) LOG(CPI?(-2)) LOG(DEMO?(-1)) LOG(FREE?(-2))

LOG(FREE?(-3)) FR?(-1)

Swamy and Arora estimator of component variances

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	5.115258	1.467985	4.165764	0.0001
LOG(GOVER?)	-0.567533	0.236653	-2.336587	0.0229
LOG(GDP?)	-0.153308	0.073972	-2.076575	0.0423
LOG(FREE?)	-0.441361	0.434396	-1.017410	0.3132
Random Effects (Cross)				
_ARE-C	-0.139798			
_BHR-C	-0.281519			
_DZA-C	0.189503			
_EGY-C	0.158746			
_JRN-C	0.002383			
_ISR-C	0.218525			
_JCR-C	-0.287224			
_KWT-C	0.053789			
_LEN-C	0.101374			
_LBY-C	-0.111003			
_MAR-C	0.315965			
_OMN-C	-0.262802			
_QAT-C	0.217269			
_SUA-C	0.064714			
_SYR-C	-0.035548			
_TUN-C	-0.184423			

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 برتال جامع علوم انسانی

Dependent Variable: LOG(CPI?)  
Method: Pooled IV/Two-stage EGLS (Cross-section random effects)  
Date: 06/25/12 Time: 01:14  
Sample (adjusted): 2006 2010  
Included observations: 5 after adjustments  
Cross-sections included: 16  
Total pool (unbalanced) observations: 62  
Instrument list: C LOG(CPI?(-1)) PR? LOG(GOVER?(-1)) LOG(GDPP?(-1))  
LOG(FREE?(-1)); LOG(CPI?(-2)) LOG(DEMO?(-1)) LOG(FREE?(-2))  
LOG(FREE?(-3)); PR?(-1)  
Swamy and Arora estimator of component variances

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	7.355035	1.814073	4.054448	0.0002
LOG(GOVER?)	-0.711547	0.270559	-2.629916	0.0110
LOG(GDPP?)	-0.156134	0.072472	-2.154396	0.0354
LOG(FREE?)	-0.543603	0.434928	-1.249871	0.2165
LOG(DEMO?)	-0.240117	0.213858	-1.122786	0.2662
Random Effects (Crcss)				
_ARE-C	-0.165233			
_BHR-C	-0.283512			
_CZA-C	0.186138			
_EGY-C	0.120094			
_IRN-C	-0.007945			
_ISR-C	0.030993			
_JOR-C	-0.239374			
_KWT-C	0.012575			
_LBN-C	0.073552			
_LBY-C	-0.129513			
_MAR-C	0.309104			
_OMN-C	-0.202859			
_CAT-C	0.304134			
_SUA-C	0.191515			
_SYR-C	-0.023651			
_TUN-C	-0.176019			
Effects Specification				
		S.D.	Rho	
Cross-section random		0.227317	0.7860	
Idiosyncratic random		0.118622	0.2140	

## جدول ۲- نتایج آزمون هاسمن

## جدول ۴- نتایج آزمون هاسمن

Test cross-section random effects

Test Summary	Chi-Sq. Statistic	Chi-Sq. d.f.	Prob.
Cross-section random	1.825327	3	0.6094

Test cross-section random effects

Test Summary	Chi-Sq. Statistic	Chi-Sq. d.f.	Prob.
Cross-section random	1.579217	4	0.7945

**جدول ۵- نتایج تخمین مدل سوم با روش اثرات تصادفی**

```

> Dependent Variable: LOG(CPI?)
> Method: Pooled IV/Two-stage FGLS (Cross-section random effects)
> Date: 06/30/12 Time: 19:18
> Sample (adjusted): 2006 2010
> Included observations: 5 after adjustments
> Cross-sections included: 16
> Total pool (unbalanced) observations: 62
> Instrument list: LOG(CPI?(-1)) PR? LOG(GOVR?(-1)) LOG(GDPP?(-1))
LOG(FREE?(-1)) LOG(CPI?(-2)) LOG(D=MO?(-1)) LOG(FREE?(-2))
LOG(FREE?(-3)) PR?(-1) DJM?
> Swamy and Arora estimator of component variances

```

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	24.35684	8.735703	2.788195	0.0072
LOG(GOVR?)	-5.002573	2.205668	-2.268033	0.0272
LOG(CDPP?)	0.136835	0.067367	2.074308	0.0426
LOG(DEMO?)*LOG(GOVR?)	2.576667	1.313113	1.962250	0.0547
LOG(FREE?)	-1.416283	0.587123	-2.417318	0.0189
LOG(D=MO?)	-8.371908	4.142612	-2.020325	0.0481
<b>Random Effects (Cross)</b>				
_ARE-C	-0.096243			
_BHR-C	0.242598			
_DZA-C	0.167970			
_EGY-C	0.136059			
_IRN-C	-0.065993			
_ISR-C	0.214616			
_JOR-C	-0.191300			
_KWT-C	0.270537			
_LDN-C	-0.163502			
_LBY-C	-0.034636			
_MAR-C	0.177043			
_OMN-C	-0.132600			
_QAT-C	0.296992			
_SUA-C	0.216442			
_SYR-C	0.100147			
_TUN-C	-0.092860			
<b>Effects Specification</b>				
		SD	Rho	
Cross-section random		0.200508	0.7304	

**جدول ۶- نتایج آزمون هاسمن**

Test cross-section random effects

Test Summary	Chi-Sq. Statistic	Chi-Sq. d.f.	Prob.
Cross-section random	8.166720	5	0.1473

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی